

بررسی تطبیقی احکام حج و عمره در آیه ۱۹۶ سوره بقره از منظر فریقین با تأکید بر وجوه اشتراک و اختلاف میان امامیه و مذاهب اهل سنت

علی اکبر کریمی، حجت الاسلام دکتر عباس الهی دامت برکاته

چکیده

قرآن کریم به عنوان اصلی ترین و نخستین منبع مصدر تشریع اسلامی و استخراج احکام میان فقیهان شیعه و اهل سنت، در خلال آیات خود به بیان کلیاتی از احکام فقهی پرداخته است. و حدوداً پانصد آیت آن، مربوط به احکام شرعی است. هدف پژوهش حاضر بررسی تطبیقی میان دو دیدگاه فقهی فریقین در آیه ۱۹۶ از سوره بقره است. به رغم آن که در ظاهر به نظر می رسد میان این دو گروه در استنباط احکام شرعی از آیات قرآن، ناهمسوئی و ناهمگونی های برجسته و چشم گیری وجود دارد؛ اما بررسی های دقیق و موشکافانه، حاکی از همسوئی و همگرایی آنان در احکام حج است؛ به گونه ای که در مواردی، نظریه شیعه دوازده امامی و برخی از مذاهب چهارگانه اهل سنت از هیچ گونه اختلافی برخوردار نیست. این تطابق، بین شیعه و مذهب حنفی زیادتر بروز کرده است؛ زیرا پایه های استدلال این دسته در فقه، همانند شیعیان دوازده امامی، مبتنی و متکی بر روایات برگرفته از ائمه معصومان علیهم السلام و براهین عقلی بوده و می توان ادعا کرد که از متانت و استواری بیشتری نسبت به سایر مذاهب چهارگانه اهل سنت برخوردار است. حج یکی از ارکان برجسته دین اسلام است و در هر دو فریق از اهمیت زیادی برخوردار است و همه مذاهب اسلامی به آن توجه خاصی داشته اند، از این رو حکم مذکور از دیدگاه فریقین به صورت تطبیقی مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. در واقع تحقیق حاضر عهده دار تبیین حکم حج در آیه ۱۹۶ سوره بقره از منظر فریقین می باشد. این نوشتار به شکل تحلیلی - توصیفی است.

واژگان کلیدی: آیات الاحکام، آیات حج، تفسیر تطبیقی، تفسیر فقهی



مقدمه و تبیین مسئله

قرآن کریم که غنی ترین منبع علوم و معارف اسلامی است، در کنار بیان عقاید، اخلاق، تاریخ و.. به عنوان اصلی ترین منبع تشریع اسلامی در خلال آیات خود به بیان کلیاتی از فقه اسلامی نیز پرداخته است. آیات الاحکام به تعبیر دیگر فقه القرآن از مباحث مهم معارف اسلامی است که ریشه در دو شاخه از دانشهای اسلامی دارد، از یک سو جزء معارف قرآن و از سوی دیگر بخشی از فقه اسلامی به شمار می آید. در نزد فقیهان مفسر و مفسران فقیه به خاطر بدیهی بودن آیات الاحکام سخنی از آن به میان نیامده است.

اما می توان گفت آیات الاحکام، آیاتی است که به احکام فقهی و تکالیف عملی ارتباط دارد.^۱

باتوجه به آیات الاحکام می توان گفت آیات مذکور در قرآن به چهار نوع تقسیم می شود: آیات الاحکام عام مثل: «أَوْوَا بِالْعُقُود...»^۲. آیات الاحکام خاص مانند: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مِنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا»^۳. آیات مشتمل بر آیات فقهی ۴- و آیات مشتمل بر قواعد اصولی که این قواعد به طور غیر مستقیم جزء آیات الاحکام محسوب می شود.

آیه ۱۹۶ از سوره بقره که یکی از جامع ترین آیات در مورد حج به شمار می آید؛ در میان علماء و دانشمندان اسلامی مورد توجه خاص واقع شده است، سایر فقها و مفسران فریقین نسبت به این آیه مبارکه ابراز نظر کرده اند. سوالی که در اینجا مطرح است این است نظریه های علماء و فقهاء اسلامی و همچنین نکات اشتراک و افتراق آنان در ذیل آیه ۱۹۶ از سوره بقره چگونه بحث و بررسی می شود. در حقیقت آیه مزبور از دیدگاه های شیعه و مذاهب چهارگانه اهل سنت به صورت تطبیقی ارزیابی گردیده و نیز این که دیدگاه های کدام یک از این دو فریق از پایه های استدلال قوی تر و محکم تری برخوردار است؛ بررسی شده و همچنین نظرات کدام یک از مذاهب اربعه اهل سنت به دیدگاه شیعه نزدیک تر است؛ مورد بحث و تحقیق قرار می گیرد.

پیشینه تحقیق

پیشینه این تحقیق را می توان به دو بخش تبیین کرد نخست عام: به این نحو که سایر مفسران قرآن کریم به آیه ۱۹۶ از سوره بقره در تفسیرشان به آن پرداخته اند. و دیگری خاص: مانند کنزالعرفان اثر فاضل مقداد، آیات الأحکام استرآبادی، مسالك الأفهام إلى آیات الأحکام نوشته فاضل جواد، الفقه على المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت وفقاً لمذهب أهل البيت عليهم السلام، اثر جزیری، عبد الرحمن - غروی، سید محمد-

۱- معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران، ج ۲، ص ۲۲۸.

۲- مائده، ۱.

۳- آل عمران، ۹۷.



یاسر مازح، آیات الاحکام تطبیقی، نوشته استاد فاکر میدی، آیات الاحکام، اثرمدیر شانه چی، و همچنین از دانشمندان اهل سنت مانند: احکام القرآن نوشته شافعی، تفسیر آیات الأحکام اثرسایس، تفسیر آیات الأحکام جرجانی، احکام القرآن ابن عربی، احکام القرآن نوشته جصاص، و احکام القرآن اثرکیاهراسی، می باشد.

همچنین تحقیقات و مقالاتی که در آن مسئله حج بررسی شده محور آن، آیه ۱۹۶ سوره بقره نیست، بلکه تمام آیات مربوط به حج مورد بحث قرار گرفته است، اما آیه مذکور در نوشتار حاضر مستقلا و به نحو خاص آن هم به صورت تطبیقی از منظر فریقین مورد بررسی قرار می گیرد.

روش پژوهش تحلیلی - توصیفی می باشد.

مفهوم شناسی

حج در لغت: "حَجَّ يَحُجُّ حَجًّا. أَصْلُ الْحَجِّ الْقَصْدُ" به معنای قصد می باشد.^۱

حج در اصطلاح: نزد شیعه: القصد إلى بيت الله بمكة مع أداء مناسك مخصوصة في مشاعر مخصوصة.^۲ یعنی آهنگ خانه خدا در مکه نمودن است همراه با انجام عبادت های مخصوص در آنجا است که به مکان های خاصی مربوط می باشد.

نزد اهل سنت: اعمال مخصوصة تؤدى في زمان مخصوص. و مکان مخصوص علی وجه مخصوص.^۳ حج انجام اعمال مخصوص در زمان و مکان مخصوص با روش خاص را حج می گویند.

عمره در لغت: طبرسی فرموده عمره از عمارة است و آن بمعنی زیادت میباشد که آباد کننده زمین آنرا بوسیله عمارت زیادت میدهد.

تعریف اصطلاحی عمره

نزد شیعه: عمره: عمل مخصوصی است از اعمال حج و آن چنین است که شخص از میقات احرام بسته وارد مکه میشود هفت بار کعبه را طواف کرده در مقام ابراهیم علیه السلام نماز طواف میخواند آنگاه میان دو تل صفا و مروه هفت بار سعی و رفت و آمد میکند سپس بنیت تقصیر قسمتی از موی شارب (مثلا) را میگیرد و با تقصیر آن، عمل تمام است.^۴

۱- ابن درید، جمهرة اللغة، ج ۱، ص: ۸۶.

۲- سیوری، کنز العرفان فی فقه القرآن - ترجمه، بخشایشی، ج ۱، ص: ۳۰۲.

۳- جزایری، الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت عليهم السلام؛ ج ۱، ص ۸۱۳.

۴- قاموس قرآن، ج ۵، ص: ۴۳.



نزاهل سنت: «زیاره بیت الله الحرام علی وجه مخصوص».^۱ زیارت نمودن خانه خدا با روش و

وجه خاص.

نسک: نُسْک مصدر است به معنای عبادت مخصوص.^۲

بررسی آیه مورد بحث (آیه ۱۹۶ سوره بقره)

آیه ۱۹۶ از برجسته ترین آیه مربوط به حج و حکم آن می باشد که در ذیل آن، نظریه های زیادی از دانشمندان اسلامی از مذاهب چهارگانه بیان شده است. آیه مورد بحث چنان است:

«وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُخْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَخْلُقُوا زُرُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسْكِ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ». بقره: ۱۹۶.

”و حج و عمره را برای خدا به پایان رسانید و اگر محصور شدید (و مانعی مانند ترس از دشمن یا بیماری، اجازه ندارد که پس از احرام بستن، داخل مکه شوید) آنچه از قربانی فراهم شود (ذبح کنید، و از احرام خارج شوید و سر متراشید تا آنگاه که قربانی شما به محل ذبح برسد و هر کس مریض باشد یا درد سر بر او عارض شود (و بنا چار سر نتراشد) باید فدیة و كفارة ای از قبیل روزه داشتن یا صدقه دادن یا کشتن گوسفند بدهد پس از آنکه ترس و منع برطرف شود هر کس از عمره تمتع به حج باز آید قربانی کند به آنچه مقدور اوست (از شتر و گاو و گوسفند) و هر کس به قربانی تمکن نیافت سه روز در ایام حج و هفت روز هنگام مراجعت روزه بدارد که دو روز تمام شود این عمل بر آن کس است که اهل شهر مکه نباشد (ای بندگان به این احکام عمل کنید) و از نافرمانی خدا بترسید و بدانید که عذاب خدا سخت است“.

معرفی اجمالی آیه:

این آیه، یکی از جامع ترین آیات حج می باشد که در این آیه احکام و انواع و اقسام حج ذکر شده است. در این آیه، اولاً ضرورت انجام حج برای خدا را بیان می کند، بعد از آن مسأله صد و احصار، و وظیفه محرم، در برخورد با آن می پردازد، بعد عمره تمتع و احکام آن را ذکر کرده و در آخر سفارشات به حجاج ارایه نموده است.

۱- همان، جزایری، الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت عليهم السلام؛ ج ۱، ص ۶۳۱.

۲- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۸۰۲.



احکام موجود در آیه مورد بحث:

تقسیم مناسک:

تمام مناسکی که مربوط به خانه ی خدا است، به دو بخش حج و عمره تقسیم می شود. حج و عمره دو عمل مستقل است هر چند در این دو، اعمال مشترکی وجود دارد. ولی هر کدام اجزاء و شرایط مخصوص به خود دارند.

حج: حج از لحاظ کتاب، سنت و اجماع واجب است؛ بلکه وجوب او از ضروریات دین است و اگر کسی وجوب حج را انکار کند از دین خارج است و مانند کسی می باشد که وجوب نماز و روزه را انکار کرده است.

عمره: امامیه و شافعیه: قائل به وجوب عمره اند.

حنفی و مالکی: عمره را مستحب می دانند.^۱

بررسی حکم اتمام حج و عمره (وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ)

در مورد اتمام حج اختلاف نظر وجود دارد.

قرطبی می گوید: کسانی که عمره را واجب می دانند، مراد این است که هر دو را باید انجام دهند. ولی گروهی که عمره را واجب نمی دانند مراد این است که فقط کسی که حج و عمره را شروع کرده باید به اتمام رساند. و برای دلیل قول شعبی و ابن زید را ذکر می کند. که گفته اند «فإن من أحرم بنسك وجب عليه المضى فيه ولا يفسخه» کسی که به نسک حج احرام بست واجب آن را به اتمام برساند.^۲ کیاهراسی در تفسیر خود می نویسد: «قال المجاهد إتمامها بلوغ آخرهما بعد الدخول فيهما» مجاهد گفته: اتمام حج و عمره بعد از بستن احرام الزامی است. این نظریه را با ظاهر آیه شبیه تر می داند. و برای دلیل آیه «فَإِنْ أَحْصَرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ» ذکر می کند، او می گوید: اگر چه احصار مانع اتمام بعد از شروع است اما هدی وجوب اتمام را می رساند و این مسئله اجتماعی است و وجوب اتمام از ظاهر این آیه اخذ می شود. در این مورد، فرقی بین حج اول و دوم و عمره اول و دوم نیست.^۳

قول صحیح: منظور از «اتمام» یعنی تمام اجزای حج و عمره را که همانگونه وارد شده است انجام دهد.^۴ چون هر کدام از اجزاء حج و عمره از اجزایی به وجود آمده اند شک می شود که اگر کسی بعضی از آن

۱- مغنیه الکاشف، ج ۱، ص ۳۰۴.

۲- قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۲، ص ۳۶۵.

۳- کیاهراسی، احکام القرآن، ج ۱، ص ۹۰.

۴- کاظمی، ۲، مسالک الافهام الی آیات الاحکام، ص ۱۳۵.



اجزاء را انجام داده و بعضی را عمدتاً ترک کرده در اینصورت آنچه که انجام داده صحیح و آنچه را که انجام نداده باید انجام دهد؛ مثل آن شخصی که می‌داند که بعضی از روزه‌های ماه رمضان را که ترک کرده باید قضا کند. این توهم باطل است چون اجزاء حج مانند روزه ماه رمضان المبارک نیست بلکه مثل اجزاء نماز، به هم پیوسته است. حج گزار اگر اجزاء را اتمام نکند، حجتش باطل است.^۱

طبق نظریه ابوحنیفه و مالک، عمره واجب نیست بلکه سنت است بر خلاف شیعه و شافعی و حنبلی که عمره را واجب می‌دانند. و اگر کسی عمره را شروع کرد باید به اتمام برساند و همین طور اگر حج فاسد شود باید افعال آن را به پایان ببرد و قضای آن را هم در سال بعد به جا آورد.^۲

وجوب اتمام حج مستحبی

علمای شیعه به آیه ۱۹۷ سوره بقره تمسک جسته معتقدند که شروع در حج و عمره مستحبی، باعث وجوب اتمام و به پایان رساندن آن می‌شود. از "امر" به اتمام و به پایان رساندن حج و عمره، استفاده می‌شود که حج و عمره هر کدام واجب است؛ چون امر، دلالت بر وجوب می‌کند و لازمه واجب بودن هر کدام از اجزاء، واجب بودن آن عملی است که از این اجزاء، مرکب شده است و این مطلب یک چیز بدیهی است. بنابراین قضای عمره واجب است اما ابوحنیفه و مالک، عمره را واجب نمی‌دانند و آیه را تاویل نموده اند بر اینکه منظور آیه این است که پس از شروع در حج و عمره، اتمام آنها واجب است زیرا در نزد آنها شروع در حج و عمره مستحبی، باعث آن می‌شود که اتمام آنها واجب گردد.^۳

شرط بودن خلوص نیت در اتمام حج و عمره

کلمه «لله»؛ صریحاً دلالت دارد که برای خدا حج انجام شود و اگر برای ریا و یا فقط برای تحصیل معاش و گردشگری باشد باطل است. همچنین دلالت دارد که هر یک از افعال حج باید به نیت واجب خالص انجام شود و از آیه مذکور نیز استفاده می‌شود که انجام حج و عمره بر شخص کافر هم واجب است اما حج و عمره او مقبول نیست زیرا وی اخلاص ندارد.^۴

اعمال و مناسک حج و عمره

نزد شیعیان:

الف: اعمال عمره: ۱. احرام از میقات. ۲. طواف. ۳. نماز طواف. ۴. سعی. ۵. تقصیر.

۱- سیوری حلی، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۱، ص ۲۷۲.

۲- قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۲، ص ۳۶۵، خزائلی، احکام القرآن، ۴۷۵.

۳- سیوری حلی، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۱، ص ۲۷۳-۲۷۴.

۴- سیوری، کنز العرفان فی فقه القرآن - ترجمه، بخشایشی، ج ۱، ص: ۳۲۰.





اگر عمره مفرده باشد اعمال عمره که پنج تا بیان شد در آن طواف نسا و نماز آن اضافه می شود.

ب: اعمال حج: ۱. احرام از مکه. ۲. وقوف در عرفات. ۳. وقوف در مشعر. ۴. رمی (۷ سنگ ریز زدن به) جمره ی عقبه. ۵. قربانی کردن در منی. ۶. تراشیدن سر کوتاه کردن مو و یا ناخن. ۷. طواف حج. ۸. نماز طواف. ۹. سعی بین صفا و مروه. ۱۰. طواف نساء. ۱۱. دو رکعت نماز طواف نساء. ۱۲. بیتوته در منی (شب یازدهم و دوازدهم). ۱۳. رمی جمرات سه گانه در روز یازدهم و دوازدهم.^۱

نزد اهل سنت

الف: اعمال عمره:

ب: حج: ۱. احرام. ۲. وقوف در عرفات. ۳. وقوف در مزدلفه. ۴. رمی جمره عقبه در روز عید. ۵. ذبح هدی از متمتع و قارن. ۶. حلق و تقصیر. ۷. طواف افاضه. ۸. بیتوته ی در منی. ۹. سعی. ۱۰. رمی جمرات سه گانه در سه روز پس از عید (ایام تشریق).

حنابله طواف وداع را واجب می دانند همچنین حنفی مذهب طواف صدر را، واجب می دانند.

اهل سنت در حج، نماز طواف، طواف نسا و نماز طواف نسا را واجب نمی دانند. و حنفی و مالکی مذهب نماز طواف را جزو واجبات طواف می دانند.^۲

و نیز احرام، طواف، سعی و وقوف به عرفات را فقط رکن حج می دانند و در عمره همه اعمال که برای حج گفته شده را قبول دارند به جز وقوف در مزدلفه و عرفات و رمی جمرات، و همچنین برای عمره، وقت معین را قبول ندارند.

بررسی جمله «فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ...».

احصار و امنیت

کسی که می خواهد حج و عمره انجام دهد ممکن است تمام اعمال را بدون ممانعت انجام دهد و همچنین امکان دارد به مانع برخورد کند و نتواند اعمال را به طور کامل انجام دهد این آیه، وظیفه هر دو را بیان نموده است. وظیفه کسانی که برای آنان مانع به وجود آمده است، خداوند می فرماید: «فَإِنْ أَحْصَرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ» و کسانی که در حال امن و امنیت اند خداوند برای آنان می فرماید: «فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ...».

۱- سیوری، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۱، ص ۳۲۰.

۲- جزایری، الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت علیهم السلام، ج ۱، ص ۶۳۸.





اقسام موانع

قرآن کریم با جمله «فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ...» به دو گونه موانعی که برای حاجی ممکن است عارض شود، اشاره نموده است: یکی برونی یا دشمن، دیگری درونی و ناتوانی.

حصر: یعنی کسی که بیماری و مریضی مانع ادامه حج او شده است، باید قربانی خود را به همراه کسی بفرستد روزی که باید قربانی را ذبح کند، بعد از دادن قربانی همه چیز برای او حلال می شود به جز زن. سال آینده حج را انجام دهد تا زن برای او حلال شود. (اگر حجش واجب است).

و اگر حج او مستحبی است، برای طواف کسی را نایب بگیرد.

صد: کسی که دشمن، مانع ادامه حج او می شود، بلافاصله باید قربانی را خود را ذبح کند، و همه چیز حتی زن با محل شدن او بر او حلال می شود.^۱

دیدگاه‌ها در مورد احصار و امنیت

ابو حنیفه: کسانی که به خاطر عارض شدن بیماری یا دشمن نمی توانند حج را ادامه دهند حکم حصار بر او ثابت است.

شافعی، مالک و احمد می گویند: اگر به وسیله دشمن منع شده باشند حکم حصر بر او ثابت است. اما اگر به وسیله مریضی منع شده باشد اجازه محل شدن را ندارند؛ و اگر توان ادامه حج را ندارد باید تبدیل به عمره نموده و قربانی دهد و سال دیگری قضای آن را بجا آورد.^۲

شیعه می گوید: «احصار» مختص به مرض است و «صد» مختص به دشمن و شبیه آن و امثال دشمن؛ چون در مانع شدن از رسیدن به مقصد دشمن و امثال آن شریک اند.

پیام جمله «...فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ».

«استیسار» مصدر «استیسر» است به معنی آسان بودن است. از اطلاق جمله «فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ» به دست می آید که شامل هر حیوانی می شود چه معیوب و صحیح باشد، چه به صورت شریکی و انفرادی خریداری شود و قربانی شود، بشرط این که حلال گوشت باشد و صلاحیت اهداء به خانه خدا را داشته باشد. در این آیه، وظیفه حاجی بعد از اهداء قربانی مشخص نشده که حج از او ساقط است یا باید قضا کند. فقهای همه ی مذاهب، اعم از شیعه، مالکی، حنبلی، حنفی و شافعی، اجمالا متفق اند که احلال، حاصل می شود، اما حج یا عمره ساقط نمی شود.

۱- سیوری، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۱، ص ۲۸۸-۲۸۷.

۲- قرطبی، الجامع الاحکام القرآن، ج ۲، ص ۳۷۳.



شرط قبل از حج

اگر کسی قبل از احرام بستن شرط نماید که: خدایا افعال حج را انجام می‌دهم، به شرطی که محصور و یا مصدود نشوم، به وسیله این شرط، ذبح حیوان، ساقط می‌شود یا نه؟ و آیا این شرط باعث محل شدنش در صورت حصر و یا صد می‌شود یا نه؟

دیدگاه‌ها

شافعی و حنبلی قائلند شرط مذکور اجرا می‌شود به دلیل روایت ابن عباس که می‌گوید: «صُباعه دختر زبیر بن عبد المطلب نزد پیامبر آمد گفت من زن سنگین (و بیمار) هستم و می‌خواهم حج بگذارم، به من چه دستور می‌دهی؟ فرمود: برای حج احرام ببند و شرط بگذار که هرجا (بیماری) مرا نگه داشت و از پا در آورد، همان جا از احرام بیرون می‌آیم»^۱.

مالک معتقد است: وجود شرط و عدم آن مساوی است و افاده چیزی را نخواهد داشت.

ابو حنیفه گفته است: شرط باعث سقوط ذبح می‌شود، و لکن باعث محل شدن نخواهد شد، چه آنکه محل شدن از اطلاق آیه، استفاده می‌شود.^۲

علمای شیعه دو قول دارند: قول قوی آنست که دم (ذبح حیوان) باقی است و محل شدن با شرط،

عزیمت و واجب است و با وجود عدم شرط، مرخص و مجاز است.^۳

بدل هدی

اگر محصور یا مصدود هدی و وجه آن را نداشته باشد آیا بدل او وجود دارد یا خیر؟

احمد حنبل معتقد است که، صیام ده روز، بدل از هدی می‌باشد.^۴

حنفیه و شافعیه و امامیه می‌گویند: بدل او وجود ندارد.

بررسی جمله «وَلَا تَخْلِقُوا رُؤُوسَكُمْ»

از این جمله به خوبی استفاده می‌شود با محرم شدن بعضی از چیزها که بر او حلال بوده حرام می‌شود.

از جمله: شکار کردن حیوانات خشکی^۵ کشتن شکار^۶ فسوق و جدال و آمیزش امور جنسی^۷ عقد نکاح،

۱- صحیح مسلم، باب ۲۸: حدیث ۶۷۶، ج ۱، ص ۶۵۰.

۲- سیوری، کنز العرفان فی فقه القرآن - ترجمه، بخشایشی، ج ۱، ص: ۳۲۳.

۳- سیوری، کنز العرفان فی فقه القرآن - ترجمه، بخشایشی، ج ۱، ص: ۳۲۴.

۴- جزایری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۷۰۲.

۵- مائده ۹۶. وَ حَرَّمَ عَلَیْكُمْ صَيْدَ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرُمًا.

۶- مائده ۹۵. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرُمٌ.

۷- بقره ۱۹۷: الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفْتَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ.



پوشیدن لباس دوخته، که مصداق بارز آن تراشیدن سر است «وَلَا تَحْلِقُوا رُؤُسَكُمْ».

تحلیل جمله «حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ»

محل قربانی

«مَحَلَّهُ» با کسر «حا» از ماده حل: یعنی تا زمانی که قربانی را در محلی که ذبح آن حلال است ذبح

نکنید سر تراشید.

اختلاف نظر درباره محل قربانی

شافعی می‌گویند: محل قربانی همان جایی است که حاجی از ادامه حج ممنوع شده باشد دلیل آنها

فعل پیامبر اکرم است که در حدیبیه وقتی با دشمن موجه شدند قربانی خود را ذبح کردند.^۱

حنفی می‌گویند: محل قربانی را در هر دو حال (صدّ و حصر) حرم می‌داند.^۲

شیعه می‌گویند: در صورتی که دشمن مانع شده باشد زمان و مکان لحاظ نمی‌شود همان جا قربانی ذبح

می‌شود. و اگر مرض مانع شده باشد محل قربانی در عمره مکّه است و در حج منی می‌باشد.^۳

بررسی جمله «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ»

این جمله در حقیقت به دو موجب جواز، اشاره دارد. ۱. بیماری. ۲. اذیت شدن.

۱. **بیماری:** با در نظر گرفتن سیاق آیه مراد هر نوع بیماری نیست بلکه بیماری است که با حلق تسکین

یابد و اطلاق مقید به دو امر است یکی این که بیماری مربوط به سر باشد دوم اینکه تحمل آن را نداشته

باشد.

۲. **اذیت شدن:** جمله «أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ» اشاره دارد که در سر محرم ناراحتی وجود داشته باشد،

چه به وسیله درد و دمل قمل...

در این مورد همه فرق اسلامی متفق اند. روایاتی نیز در این زمینه از امام صادق علیه السلام وارد شده است

گویند: در سال حدیبیه چون در موی سریکی از مسلمانان «کعب بن عجره» شپش جای گرفت، آن حضرت

امر فرمود تا سرش را بتراشد و بهمین ترتیب فدیّه دهد.^۴

بررسی جمله «فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ»

در این جمله خداوند صریحاً فرموده است کسی که به خاطر بیماری یا اذیت شدن سر را می‌تراشند باید

۱- کیهارسی، احکام القرآن، ج ۱، ص ۹۰.

۲- جصاص، احکام القرآن، ج ۱، ص ۳۳۶.

۳- سیوری، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۱، ص ۲۸۹.

۴- مجلسی، محمد باقر، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، ج ۸، ص: ۲۵۵- طوسی، الإستبصار فیما اختلف من الأخبار،

ج ۲، ص: ۱۹۶؛ پرتوی از قرآن، ج ۲، ص: ۸۷.



فدیه دهند، فدیة آنان عبارت است از: سه روز روزه بگیرند، یا اطعام ده مسکین برای هرکدام از مسکین یک مد طعام تقریباً ۷۵۰ گرم یا یک گوسفند ذبح کند.^۱

فقه‌های اهل سنت نیز با شیعه در این مسأله هم رأیند، با این تفاوت که آنها اطعام شش مسکین را کافی میدانند.^۲

تحلیل جمله «فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ»

این قسمت آیاه حج را به تمتع و غیر تمتع تقسیم کرده است.

۱. انواع حج

انجام مراسم حج بر سه گونه است حج تمتع، حج قران، حج افراد.

الف: حج تمتع:

برای کسانی است که از شهر مکه دور اند، باید در حج واجب قبل از ورود به مکه در یکی از مواقیت؛ احرام عمره تمتع را ببندند. بعد طواف و سعی را انجام دهند و با تقصیر از احرام بیرون آیند. وقتی که از احرام بیرون آمدند همه آن چیزی که به خاطر احرام حرام بوده حلال می شود از جمله نزدیکی با همسر. سپس برای رفتن به عرفات و مشعر و منی و انجام مراسم حج برای روز نهم ذی الحجه از مکه مکرمه محرم می شوند و بقیه اعمال مربوطه را انجام داده از احرام نیز بیرون می آیند.^۳

تعیینی و تخییری بودن

شیعه امامیه اعتقاد دارد: حج تمتع بر حج قران و حج افراد برتری دارد؛ زیرا این نوع حج مختص کسانی است که از مکه دورند.^۴

مذاهب چهار گانه اهل سنت: قائل به تخییر بین تمتع، قران و افرد هستند؛ اما حنبلی و شافعی مانند شیعه امامیه حج تمتع را برتر می دانند. اما مالکی حج افراد را افضل و برتر می دانند.^۵

دلیل بر تحریم متعه حج

واژه «متعه» برای بهره و لذت بردن استفاده می شود زیرا در حج تمتع انجام امور ممنوعه در حالت احرام، در فاصله زمانی میان دو احرام حج و عمره، مباح می شود.

منظور از متعه حج این است که شخص در ماه هایی که حج در آن انجام می شود به نیت انجام متعه

۱- سیوری، کنز العرفان فی فقه القرآن - ترجمه، بخشایشی، ج ۱، ص: ۳۲۵.

۲- جزایری، الفقه علی مذهب الاربعه، ج ۱، ص ۶۷۶.

۳- معرفت، التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۵۳۳.

۴- خزائلی، احکام القرآن، ص ۴۹۴.

۵- قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۲، ص ۳۸۸.



حج، از میقات حج، احرام ببندد و محرم شود، پس از آن به خانه خدا برود و طواف را انجام دهد، سپس سعی بین صفا و مروه کند و با انجام تقصیر از احرام خارج شود. بعد از آن، دوباره در همان سفر، از مکه احرام ببندد و محرم گردد گرچه بهتر است از مسجدالحرام محرم شود. سپس برای انجام مناسک به سمت میدان عرفات و همچنین به سوی مشعرالحرام حرکت کند و حج را اتمام برساند.

از صدر اسلام تاکنون همه‌ای مسلمانان هر سه نواع حج را بر اساس آیین اسلام انجام می‌دهند^۱ از این که عمر بن خطاب متعه حج را حرام قرار داد و علت نهی در روایات چنین آمده است عمر گفت: من می‌دانم پیامبر (ص) و اصحابشون متعه الحج را انجام دادند، خوشم نمی‌آید کسانی با همسران خود نزدیکی کرده، آنگاه غسل کرده در حالیکه قطرات غسل جنابت او می‌ریزد احرام ببندند و اعراف روند.^۲ فخر رازی سخن عمر را در حرام کردن متعه حج و متعه زنان چنین نقل می‌کند: «دو متعه‌ای که در زمان پیامبر اکرم حلال بوده من آن دو را حرام کردم. و کسی که مرتکب آن شود کیفر می‌دهم»^۳ **قرطبی** و جصاص نیز با کمی تفاوت همین را نقل می‌کند.^{۴-۵}

فخر رازی از عمر دفاع می‌کند می‌گوید: طبق ظاهر کلام عمر که می‌گوید من متعه حج و متعه را حرام قرار می‌دهم چنین به دست می‌آید که این دو شرعی بوده و نسخ هم نشده بود، عمر این دو را نسخ کرد. اشکال: چیزی را که پیامبر اکرم نسخ نکرده باشند تا قیامت نسخ نخواهد شد.^۶

بررسی:

طبق مفسران بزرگ شیعه و اهل سنت مثل فخر رازی که نقل کرده است «**متعّتان کانتا مشرّعتین**» و قرطبی و جصاص سخن عمر را این گونه نقل کرده اند «**اعاقب علیهما- و اضرب علیهما**» اگر کسی متعه نساء و حج را انجام داد کیفر می‌کنم و ضربه می‌زنم. این الفاظ بیانگر این است که این سخن منع کردن از دو متعه به خود عمر مستند است و ربطی با وحی و شریعت ندارد.

دوم اینکه بزرگان صحابه، تابعان و فقها به نهی از متعه حج به دلیل عدم اعتبار اجتهاد در مقابل نص قرآن کریم و سنت قطعی پیامبر اکرم نهادند بر اساس آنچه که از عمران بن حصین نقل شده است که متعه حج نسخ نشده است و پیامبر نیز از آنو نهی نفرموده است. بعدا شخصی آمد و آن دو را منع کرد مراد از

۱- خزائلی، احکام القرآن، ج ۲، ص ۳۸۸.

۲- صحیح مسلم، ج ۶، ص ۲۵۶.

۳- فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۰، ص: ۴۴.

۴- جصاص، احکام القرآن، ج ۱، ص ۳۶۲.

۵- قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۲، ص ۲۹۲.

۶- فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۰، ص ۴۲.



«وجل» عمر است.^۱

در نتیجه می توان گفت: متعه حج و متعه زنان صریحاً آیات قرآن به آنان اشاره دارد، و سنت نبوی و اجماع صحابه و تابعان است لذا کنج اندیشی در این مورد نشان دهنده کوتاه نظری است.^۲

ب: حج قران

تعریف حج قران نزد فقهای شیعه: «ان یقرن باحرامه سیاق الهدی». ^۳ آن است که در آن همراه داشتن قربانی هنگام محرم شدن الزامی است.

تعریف حج قران نزد اهل سنت: «هو أن یجمع بینها (الحج والعمرة فی احرام واحد)». ^۴ حجی است که در آن حج و عمره در یک احرام جمع شود.

اعمال حج قران: احرام بستن چه با تلبیه، یا اشعار یا به تقلید حاجی یکی از این سه را که انجام داد کفایت می کند و محرم می شود. ۲. وقوف به عرفات، ۳. وقوف در مشعر ۴. رمی جمره ی عقبه ۵. کوتاه یا تراشیدن سر. ۶. بیتوته در منی ۷. طواف ۸. نماز طواف. ۹. سعی، طواف نساء و نماز طواف نساء. و بعد از آن باید اعمال عمره را به جای آورد. ^۵

اهل سنت علاوه بر طواف نساء و نماز طواف نساء همه موارد قبول دارند.

ج: حج افراد

نزد اهل سنت: «أن یحرم بالحج وحده، فإذا فرغ من اعماله احرم بالعمرة». ^۶ حجی که در آن احرام حج تنها (جدا از عمره) بسته می شود، هنگامی که از انجام اعمال حج فراغت حاصل شود لباس احرام عمره می پوشد.

اعمال حج افراد

۱. احرام ۲. وقوف به عرفات ۳. وقوف در مشعر ۴. رمی جمره ی عقبه ۵. کوتاه یا تراشیدن سر. ۶. بیتوته در منی ۷. طواف ۸. نماز طواف ۹ سعی ۱۰. طواف نساء ۱۱ نماز طواف نساء و پس از آن باید اعمال عمره را به جای آورد. ^۷

۱- قرطبی، الجامع لاحکام، ج ۲، ص ۳۸۸.

۲- معرفت، التفسیر والمفسرون فی توبه الشیبه، ج ۱، ص ۵۱۳.

۳- سیوری، کنز العرفان، ج ۱، ص ۲۷۶.

۴- جزایری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۶۸۸.

۵- عاملی، مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۱۹۳.

۶- جزایری، الفقه علی المذاهب الاربعه ج ۱، ص ۶۸۸.

۷- حلی، شرایع الاسلام، ج ۱، ص ۲۳۸.



اهل سنت طواف نساء و نماز طواف نساء ندارند.

تحلیل جمله «فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ»

وجوب هدی

خداوند در این جمله می‌فرماید: کسی که می‌خواهد حج تمتع را انجام دهد باید هدی بدهد و این یکی از ارکان و مناسک حج است.

جمله «فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ» هر چند مطلق آمده است ولی از چند جهت تخصیص خورده است از این رو «هدی» باید حیوان حلال گوشت باشد نه حرام گوشت چون چیزهای حرام باعث مبغوضیت مولا می‌شود نه تقرب مولا. دوم اینکه هدی باید صحیح و سالم باشد.

تحلیل جمله «فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ»

این جمله وظیفه حاجی را که به خاطر نیافتن قربانی را مشخص می‌کند گاهی نیافتن بخاطر نداشتن پول است در این صورت هدی تبدیل به صوم می‌شود. وگاهی نیافتن به خاطر کم یابی است و قدرت خرید آن را دارد در این مورد بین فقها اختلاف است.

مشهور می‌گویند: پول آن را به کسی بدهد تا برای او قربانی کند.

نظریه اهل سنت: اگر پول برای خرید ندارد یا اصلاً هدی پیدا نمی‌شود در هر دو صورت هدی تبدیل به صوم می‌شود. **مالکیه می‌گویند:** اگر امکان قرض گرفتن را دارد قرض بگیرد و هدی را ذبح کند و الا تبدیل به صوم می‌شود.^۱

پیام جمله «فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ»

این آیه به صراحت می‌گوید: کسی که نمی‌تواند هدی بدهد باید ده روزه بگیرد که سه تا از آن در در روزهای ۷ و ۸ و ۹ ذی الحجه پست سر و متوالی و هفت تا باقیمانده در وطن خود بگیرد.^۲ اهل سنت نیز در مجموع همین نظر را قبول دارند.^۳

مؤید این نظریه حدیث امام صادق علیه السلام است که فرمودند: «پیش از روز تروییه یک روزه بگیرد سپس خود روز تروییه و روز عرفه روزه بگیرد.»^۴

و اگر کسی به هر عنوانی نتوانست در این ایام روزه بگیرد؛ باید بعد از ایام تشریق روزه بگیرد.

۱- جزایری، الفقه علی المذهب الاربعه، ج ۱، ص ۶۸۹ و ۶۹۱.

۲- سیوری، کنز العرفان، ج ۱، ص ۲۹۷.

۳- تفسیر قرطبی، ج ۲، ص ۳۹۹.

۴- شیخ صدوق، المقنع، ص: ۲۸۴.



نتیجه گیری

از آنچه گذشت می توان نتیجه گرفت: مفسران و فقیهان شیعه دوازده امامی در استنباط احکام فقهی حج از چند منبع اصلی و مهم استفاده نموده اند که عبارت است از: ۱. قرآن کریم. ۲. روایات مأثور از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم. ۳. روایات تفسیری مأثور از امامان معصوم علیهم السلام که به اعتقاد شیعه امیرالمومنین همه مطالب را از پیامبر گرامی یاد گرفتند و بقیه امامان با امیرالمومنین علیه السلام. ۴. براهین عقلی.

در مقابل، مفسران و فقیهان اهل سنت در این زمینه بهره اندکی از روایات معصومان علیهم السلام برده و بیشتر متکی بر گفتار صحابی اند که در فقه از اجتهاد، و استنباط شخصی بهره می جسته اند، مانند عمر که در تحریم متعه حج به اجتهاد و رأی شخصی خود عمل کرد. در برخی موارد دیدگاه ابوحنیفه با دیدگاه امامیه نزدیک است چون حنفی مذهب مانند امامیه در فهم آیات از روایات معصومان علیهم السلام و براهین عقلی کمک گرفته اند و دیدگاه شافعی بسیار اندک با رأی امامیه نزدیک است.

در آیه مورد بحث تمام مناسک مربوط به خانه ی کعبه، به دو بخش حج و عمره تقسیم شده است. حج و عمره، دو عمل مستقل هستند هر چند در این دو، اعمال مشترکی وجود دارد. ولی هر کدام اجزاء و شرایط مخصوص به خود دارند.

حج از دیدگاه سایر مذاهب واجب و از ضروریات دین است، اما در مورد عمره تمتع اختلاف نظر وجود دارد؛ امامیه و شافعیه عمره را واجب می دانند در حالیکه حنفی و مالکی: عمره را مستحب می دانند. اعمال عمره پنج است ولی اگر عمره مفرده باشد در اعمال پنجگانه دو عمل، طواف نسا و نماز آن اضافه می شود. و اعمال حج ۱۳ است، اما در نزد اهل سنت ۱۰ است، زیرا آنان نماز طواف و طواف نساء را قبول ندارند. حنابله طواف وداع را واجب می دانند همچنین حنفی مذهب طواف صدر را، واجب می دانند. حنفی و مالکی نماز طواف را جزو واجبات طواف می دانند. و همچنین احرام، طواف، سعی و وقوف به عرفات را فقط رکن حج می دانند و در عمره همه اعمال که برای حج گفته شده را قبول دارند به جز وقوف در مزدلفه و عرفات و رمی جمرات، و همچنین برای عمره وقت معین را قبول ندارند.

باتوجه به بررسی مطالب بیان شده در هر دو فریق می توان گفت در میان شیعه دوازده امامی و بسیاری از مذاهب اهل سنت اتفاق نظر وجود دارد و در مواردی بسیار اندک و انگشت شمار اختلاف نظر بیان شده است.



منابع

- ابن بابويه، محمد بن علی، المقنع (للمصدق)، قم، اول، مؤسسة امام مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ۱۴۱۵ ق.
- ابن دريد، محمد بن حسن، جمهرة اللغة، اول، بيروت، دار العلم للملايين.
- ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت، دارالفکر، ۱۴۱۴.
- جزیری، عبد الرحمن - غروی، سيد محمد، الفقه على المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت وفقاً لمذهب أهل البيت عليهم السلام، بيروت، اول، دار الثقلین، ۱۴۱۹ هـ ق،
- جصاص، احمد بن علی، احكام القرآن، تحقیق محمد صادق قمحاوی، بيروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق.
- حلّی، جعفر بن حسین، شرایع الاسلام، بيروت، دارالاضواء، چهارم، ۱۴۰۳.
- حلّی، مقداد بن عبد الله سیوری، کنز العرفان فی فقه القرآن، قم، مرتضوی، ۱۳۲۵.
- مترجم بخشایشی، عبد الرحیم عقیقی، قم، اول، پاساژ قدس پلاک ۱۱۱.
- خزائلی، محمد، احكام القرآن، تهران، جاویدان، ۱۳۶۱.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، محقق/ مصحح: صفوان عدنان داودی، لبنان - سوریه، اول، دار العلم - الدار الشامیة، ۱۴۱۲ هـ ق،
- طباطبایی، سيد محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
- طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحكام، محقق / مصحح: خراسان، حسن الموسوی، تهران، چهارم، دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
- عاملی، محمد بن علی موسوی، مدارک الأحكام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، محقق/ مصحح: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت عليهم السلام، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، بيروت - لبنان، چاپ اول، ۱۴۱۱ هـ ق.
- فخرالدین رازی ابوعبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بيروت، سوم، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
- کاظمی، جواد بن سعید، مسالک الافهام الی آیات الاحکام، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۶۵.
- کیا هراسی، ابو الحسن علی بن محمد طبری، احکام القرآن، تحقیق محمد علی موسوی و عزت عبد عطیه، بيروت، دارالکتب العلمیه.
- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
- قمی، اشعری، احمد بن محمد بن عیسی، النوادر، چاپ اول، قم، مدرسه امام مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ۱۴۰۸ هـ ق.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، محقق/ مصحح: رجائی، قم، اول، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ ق.
- مسلم ابو الحسن بن الحجاج القشیری، صحیح مسلم، بيروت، دارالجلیل، بی تا.
- مشکینی، میرزا علی، اصطلاحات فقهی، بی تا، بی چا
- معرفت، محمد هادی، التفسیر والمفسرون فی توبه القشيب، مشهد، دانشگاه رضوی.
- معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران، قم، التمهید، ۱۳۷۹.
- مغنیه، محمد جواد، الکاشف، تهران، دارالکتب اسلامیه، ۱۴۲۴ ق.

